



مداخله در مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان جهت بهبود اکوسیستم یادگیری

علی تابع^۱، سیده نازنین ناظری^۲، رقیه محمدی^۳

۱-کارشناسی ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

۲-کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، استان مرکزی.

۳-کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران.

MDOI-02-2026.0066
MNR-67-2-838C3E

چکیده

امروزه توسعه مهارت های اجتماعی-عاطفی به عنوان یکی از ارکان اساسی ارتقای کیفیت نظام های آموزشی و تحقق یادگیری همه جانبه مورد توجه پژوهشگران و سیاست گذاران آموزشی قرار گرفته است. در این میان، معلمان به عنوان مهم ترین عامل انسانی در فرایند آموزش، نقشی تعیین کننده در شکل دهی به اکوسیستم یادگیری، ایجاد تعاملات سازنده و فراهم سازی محیطی ایمن و حمایتگر برای یادگیری ایفا می کنند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش مداخلات مبتنی بر مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان در بهبود اکوسیستم یادگیری انجام شد. این پژوهش از نظر روش، مروری-تحلیلی بوده و با بررسی و تحلیل منابع علمی معتبر داخلی و بین المللی، مقالات پژوهشی، گزارش های سازمان های معتبر و اسناد علمی مرتبط، به واکاوی یافته های موجود در این حوزه پرداخته است. یافته های پژوهش نشان داد که توسعه مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان، از طریق ارتقای خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مهارت های ارتباطی و تصمیم گیری مسئولانه، موجب بهبود کیفیت تعاملات آموزشی، تقویت مدیریت کلاس، افزایش امنیت روان شناختی، ارتقای مشارکت دانش آموزان و شکل گیری فرهنگ یادگیری مشارکتی می شود. همچنین، تحلیل مطالعات بیانگر آن است که اثربخشی این مداخلات زمانی افزایش می یابد که در قالب برنامه های توسعه حرفه ای مستمر، همراه با حمایت مدیران مدارس و فرهنگ سازمانی یادگیرنده اجرا شوند. در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می دهد که سرمایه گذاری در توسعه مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان، راهبردی مؤثر برای بهبود اکوسیستم یادگیری، ارتقای کیفیت آموزش و تحقق اهداف تربیت همه جانبه در نظام های آموزشی محسوب می شود.

کلمات کلیدی: مهارت های اجتماعی-عاطفی، یادگیری اجتماعی-عاطفی، معلمان، اکوسیستم یادگیری، توسعه حرفه ای معلمان، مداخلات آموزشی.



در دهه های اخیر، نظام های آموزشی در سراسر جهان از رویکردهای سنتی مبتنی بر انتقال دانش و تأکید صرف بر دستاوردهای شناختی و عملکرد تحصیلی، به سمت الگوهای جامع تری از یادگیری حرکت کرده اند که در آنها رشد شناختی، اجتماعی و عاطفی به صورت همزمان مورد توجه قرار می گیرد. در این چارچوب، مهارت های اجتماعی-عاطفی (Social and Emotional Learning: SEL) به عنوان یکی از مؤلفه های اساسی آموزش باکیفیت شناخته شده اند؛ زیرا شواهد پژوهشی نشان می دهد که توسعه این مهارت ها نه تنها موجب ارتقای عملکرد تحصیلی دانش آموزان می شود، بلکه سلامت روان، خودتنظیمی، کیفیت روابط بین فردی، تاب آوری و موفقیت آنان در زندگی فردی، اجتماعی و حرفه ای را نیز به طور معناداری بهبود می بخشد (OECD, 2024; Durlak et al., 2011). از این رو، توجه به ابعاد اجتماعی و عاطفی یادگیری، امروزه به یکی از اولویت های اصلی سیاست گذاری و برنامه ریزی آموزشی در بسیاری از کشورها تبدیل شده است.

در این میان، معلمان به عنوان مهم ترین عامل انسانی در فرایند تعلیم و تربیت، نقشی فراتر از انتقال دانش و آموزش محتوای درسی بر عهده دارند. آنان با مدیریت تعاملات آموزشی، هدایت روابط اجتماعی کلاس، تنظیم فضای هیجانی و ایجاد احساس امنیت روان شناختی، نقش تعیین کننده ای در شکل گیری اکوسیستم یادگیری ایفا می کنند. کیفیت این اکوسیستم تا حد زیادی به توانایی معلمان در برقراری ارتباط مؤثر، همدلی، مدیریت هیجان ها، حل تعارض و تصمیم گیری مسئولانه وابسته است. پژوهش ها نشان داده اند که سطح بالاتر مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان با افزایش کیفیت روابط معلم-دانش آموز، ارتقای مشارکت فعال یادگیرندگان، بهبود مدیریت کلاس، کاهش رفتارهای مسئله ساز و افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ارتباط مستقیم دارد (Jennings & Greenberg, 2009). بر اساس مدل «کلاس درس نوع دوستانه» (Prosocial Classroom Model)، شایستگی های اجتماعی-عاطفی معلمان از طریق ارتقای کیفیت تعاملات آموزشی و ایجاد محیطی ایمن، حمایتگر و مشارکتی، زمینه رشد شناختی، اجتماعی و هیجانی دانش آموزان را فراهم می سازد (Jennings & Greenberg, 2009).

در مقابل، ضعف در مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان می تواند پیامدهای نامطلوبی برای فرد، کلاس درس و کل نظام آموزشی به همراه داشته باشد. افزایش فرسودگی شغلی، کاهش رضایت حرفه ای، افت کیفیت تدریس، تضعیف روابط بین فردی، کاهش انگیزه یادگیرندگان و شکل گیری فضای آموزشی تنش زا از جمله پیامدهای کمبود این مهارت ها محسوب می شود. در مقابل، مداخلات آموزشی مبتنی بر توسعه مهارت های اجتماعی-عاطفی، ضمن افزایش خودآگاهی، خودمدیریتی، همدلی و انعطاف پذیری معلمان، موجب ارتقای کارآمدی حرفه ای، بهبود سلامت روان، افزایش رضایت شغلی و تقویت کیفیت تعاملات آموزشی می شود (CASEL, 2024; OECD, 2024). از این منظر، سرمایه گذاری بر توسعه مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان، نه تنها به رشد فردی آنان کمک می کند، بلکه بستری برای شکل گیری اکوسیستم یادگیری سالم، پویا و یادگیرنده فراهم می آورد؛ اکوسیستمی که در آن تعاملات انسانی، احساس تعلق، مشارکت فعال و یادگیری عمیق به صورت متقابل یکدیگر را تقویت می کنند.

در نظام آموزشی ایران نیز، اگرچه اسناد بالادستی و برنامه های درسی بر تربیت تمام ساحتی، پرورش شایستگی های فردی و اجتماعی و توجه به ابعاد غیرشناختی یادگیری تأکید دارند، اما شواهد پژوهشی نشان می دهد که میان اهداف سیاستی و اجرای عملی برنامه های مرتبط با آموزش مهارت های اجتماعی-



عاطفی فاصله قابل توجهی وجود دارد. بسیاری از مدارس همچنان با چالش‌هایی همچون ضعف در تعاملات بین‌فردی، کاهش انگیزش تحصیلی، فرسودگی معلمان، ناهماهنگی هیجانی در محیط کلاس و محدود بودن برنامه‌های توانمندسازی معلمان در این حوزه مواجه هستند (شریفی و همکاران، ۱۴۰۱). این وضعیت، ضرورت طراحی و اجرای مداخلات هدفمند برای ارتقای مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

بر این اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر مداخلات مبتنی بر توسعه مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان، به بررسی نقش این مداخلات در بهبود اکوسیستم یادگیری می‌پردازد. انتظار می‌رود یافته‌های این پژوهش بتواند شواهد علمی ارزشمندی برای سیاست‌گذاران، مدیران آموزشی و برنامه‌ریزان تربیتی فراهم آورد و زمینه طراحی برنامه‌های توانمندسازی معلمان را در راستای ارتقای کیفیت تعاملات آموزشی، بهبود سلامت روان محیط‌های یادگیری و افزایش اثربخشی فرایند تعلیم و تربیت فراهم سازد.

بیان مسئله

در سال‌های اخیر، نظام‌های آموزشی جهان با تحولی بنیادین در نگرش به کیفیت آموزش و یادگیری مواجه شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که رویکردهای سنتی مبتنی بر انتقال دانش و تأکید صرف بر دستاوردهای شناختی، جای خود را به الگوهای جامع‌تری داده‌اند که رشد شناختی، اجتماعی و عاطفی را به‌عنوان ابعاد مکمل و تفکیک‌ناپذیر یادگیری در نظر می‌گیرند. در این چارچوب، یادگیری اجتماعی-عاطفی (Social and Emotional Learning: SEL) به یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری آموزشی تبدیل شده است؛ زیرا شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که توسعه مهارت‌های اجتماعی-عاطفی، علاوه بر بهبود عملکرد تحصیلی، در ارتقای سلامت روان، افزایش تاب‌آوری، تقویت روابط بین‌فردی، کاهش رفتارهای پرخطر و آماده‌سازی یادگیرندگان برای موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند (OECD, ۲۰۲۴; CASEL, ۲۰۲۵).

اگرچه طی دو دهه گذشته برنامه‌های متعددی برای توسعه یادگیری اجتماعی-عاطفی دانش‌آموزان طراحی و اجرا شده است، اما یافته‌های پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که اثربخشی این برنامه‌ها تا حد زیادی به ویژگی‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان وابسته است. معلمان صرفاً انتقال‌دهنده محتوای آموزشی نیستند، بلکه با نحوه مدیریت هیجان‌ها، کیفیت تعاملات بین‌فردی، شیوه برقراری ارتباط با دانش‌آموزان و ایجاد فضای امن و حمایتگر، نقش محوری در شکل‌گیری اکوسیستم یادگیری ایفا می‌کنند. از این رو، موفقیت برنامه‌های یادگیری اجتماعی-عاطفی بیش از آنکه به محتوای برنامه‌ها وابسته باشد، به میزان برخورداری معلمان از مهارت‌های اجتماعی-عاطفی و توانایی آنان در به‌کارگیری این مهارت‌ها در محیط کلاس بستگی دارد (OECD, ۲۰۲۵; CASEL, ۲۰۲۵).

با وجود این، شواهد بین‌المللی حاکی از آن است که بسیاری از معلمان، به‌ویژه در نظام‌های آموزشی در حال توسعه، از آموزش‌های کافی برای پرورش مهارت‌های اجتماعی-عاطفی برخوردار نیستند و این کاستی، پیامدهای قابل‌توجهی برای کیفیت فرایند آموزش و یادگیری به همراه دارد. ضعف در خودآگاهی، تنظیم هیجان، همدلی، مدیریت روابط و تصمیم‌گیری مسئولانه می‌تواند زمینه‌ساز افزایش فرسودگی شغلی، کاهش خودکارآمدی، افت کیفیت تعاملات آموزشی، تشدید تعارضات کلاسی و کاهش مشارکت و انگیزش دانش‌آموزان شود. در مقابل، پژوهش‌ها نشان می‌دهد معلمان که از شایستگی‌های اجتماعی-عاطفی بالاتری برخوردارند، روابط مثبت‌تر و اثربخش‌تری با دانش‌آموزان برقرار می‌کنند، محیطی امن



و حمایتگر برای یادگیری فراهم می‌آورند و از طریق تقویت احساس تعلق، اعتماد و امنیت روان‌شناختی، زمینه ارتقای عملکرد تحصیلی و رشد اجتماعی-عاطفی دانش‌آموزان را فراهم می‌سازند (Jennings & OECD, ۲۰۲۴; Greenberg, ۲۰۰۹). افزون بر این، مطالعات اخیر نشان داده‌اند که ادراک معلمان از توانایی‌های اجتماعی-عاطفی خود و احساس خودکارآمدی در مدیریت هیجان‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت عملکرد حرفه‌ای آنان دارد و حتی در برخی موارد، بیش از سطح واقعی این مهارت‌ها بر عملکرد آموزشی آنان اثر می‌گذارد (Collie et al., ۲۰۲۵; Ura et al., ۲۰۲۵).

در ایران نیز، اگرچه اسناد بالادستی آموزش و پرورش، به‌ویژه سند تحول بنیادین، بر تربیت تمام‌ساختی، ارتقای شایستگی‌های فردی و اجتماعی و توجه به ابعاد غیرشناختی یادگیری تأکید دارند، اما شواهد پژوهشی بیانگر آن است که آموزش مهارت‌های اجتماعی-عاطفی هنوز جایگاه نظام‌مند و پایداری در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان پیدا نکرده است و اغلب فعالیت‌های انجام‌شده به دوره‌های آموزشی پراکنده، کوتاه‌مدت و فاقد تداوم محدود می‌شود (شریفی و همکاران، ۱۴۰۱). در نتیجه، فاصله محسوسی میان اهداف اسناد سیاستی و واقعیت‌های اجرایی مدارس وجود دارد؛ فاصله‌ای که می‌تواند کیفیت تعاملات آموزشی، سلامت روان معلمان و دانش‌آموزان و در نهایت اثربخشی نظام آموزشی را تحت تأثیر قرار دهد.

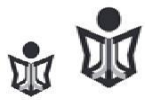
بررسی ادبیات پژوهش نیز نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مطالعات پیشین بر آموزش مهارت‌های اجتماعی-عاطفی دانش‌آموزان یا توصیف وضعیت این مهارت‌ها در معلمان متمرکز بوده‌اند، در حالی که پژوهش‌های اندکی به بررسی مداخلات هدفمند برای ارتقای مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان و پیامدهای آن بر اکوسیستم یادگیری پرداخته‌اند. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام مطالعاتی را آشکار می‌سازد که بتوانند رابطه میان مداخله در مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان و کیفیت اکوسیستم یادگیری را به‌صورت منسجم تبیین کنند.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که مداخله در مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان چگونه می‌تواند به بهبود اکوسیستم یادگیری، ارتقای کیفیت تعاملات آموزشی، افزایش مشارکت و انگیزش دانش‌آموزان و در نهایت بهبود پیامدهای یادگیری منجر شود. پاسخ به این پرسش، علاوه بر غنای ادبیات نظری، می‌تواند مبنایی علمی برای طراحی برنامه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان، تدوین سیاست‌های آموزشی مبتنی بر شواهد و ارتقای کیفیت محیط‌های یادگیری در نظام آموزشی فراهم آورد.

مبانی نظری

مهارت‌های اجتماعی-عاطفی

مهارت‌های اجتماعی-عاطفی (Social and Emotional Skills) به مجموعه‌ای از توانایی‌های شناختی، هیجانی و رفتاری اطلاق می‌شود که افراد را قادر می‌سازد هیجان‌های خود را شناسایی، درک و مدیریت کنند، با دیگران روابطی سالم و اثربخش برقرار سازند، نسبت به دیدگاه‌ها و احساسات دیگران همدلی نشان دهند، در موقعیت‌های مختلف تصمیم‌های مسئولانه اتخاذ کنند و در مواجهه با چالش‌های فردی و اجتماعی رفتارهای سازگارانه از خود بروز دهند. این مهارت‌ها یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد همه‌جانبه انسان محسوب می‌شوند و نقش اساسی در سلامت روان، سازگاری اجتماعی، موفقیت تحصیلی، عملکرد شغلی و کیفیت زندگی ایفا می‌کنند (CASEL, ۲۰۲۴).



چارچوب نظری ارائه شده توسط CASEL که یکی از معتبرترین الگوهای جهانی در حوزه یادگیری اجتماعی-عاطفی به شمار می رود، این مهارت ها را در قالب پنج شایستگی اصلی شامل خودآگاهی (Self-awareness)، خودمدیریتی (Self-management)، آگاهی اجتماعی (Social Awareness)، مهارت های ارتباطی (Relationship Skills) و تصمیم گیری مسئولانه (Responsible Decision-Making) تبیین می کند. خودآگاهی به شناخت هیجان ها، ارزش ها و توانمندی های فرد اشاره دارد؛ خودمدیریتی توانایی تنظیم هیجان ها، کنترل تکانه ها و دستیابی به اهداف را در بر می گیرد؛ آگاهی اجتماعی بیانگر درک دیدگاه ها، احساسات و نیازهای دیگران و توانایی همدلی با آنان است؛ مهارت های ارتباطی شامل برقراری روابط سالم، همکاری، حل تعارض و ارتباط مؤثر می شود و تصمیم گیری مسئولانه نیز بر انتخاب رفتارهایی تأکید دارد که مبتنی بر اصول اخلاقی، مسئولیت پذیری و پیامدهای اجتماعی تصمیم ها باشد (CASEL, ۲۰۲۴).

مطالعات متعدد نشان داده اند که توسعه این مهارت ها نه تنها موجب ارتقای عملکرد تحصیلی و افزایش انگیزش یادگیری می شود، بلکه با کاهش مشکلات رفتاری، افزایش سلامت روان، بهبود خودتنظیمی، ارتقای تاب آوری و تقویت روابط بین فردی نیز ارتباط معناداری دارد (Durlak et al., ۲۰۱۱). از این رو، یادگیری اجتماعی-عاطفی در سال های اخیر به یکی از ارکان اصلی برنامه های آموزشی و تربیتی در بسیاری از نظام های آموزشی جهان تبدیل شده و توسعه این مهارت ها به عنوان یکی از شاخص های کیفیت آموزش مورد توجه سیاست گذاران آموزشی قرار گرفته است.

مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان

اگرچه در نخستین مطالعات حوزه یادگیری اجتماعی-عاطفی، تمرکز اصلی بر پرورش این مهارت ها در دانش آموزان بود، اما پژوهش های جدید نشان داده اند که اثربخشی برنامه های یادگیری اجتماعی-عاطفی تا حد زیادی به شایستگی های اجتماعی-عاطفی معلمان وابسته است. معلمان علاوه بر ایفای نقش آموزشی، مسئول مدیریت هیجان های کلاس، هدایت تعاملات اجتماعی، ایجاد احساس امنیت روان شناختی و شکل دهی به فرهنگ یادگیری هستند؛ از این رو، کیفیت عملکرد آنان ارتباط مستقیمی با میزان برخورداری از مهارت های اجتماعی-عاطفی دارد.

مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان به توانایی آنان در شناخت و مدیریت هیجان های شخصی، همدلی با دانش آموزان، برقراری روابط حرفه ای و اثربخش با یادگیرندگان، همکاران و والدین، مدیریت تعارض ها، تصمیم گیری مسئولانه و حفظ تعادل هیجانی در موقعیت های آموزشی اشاره دارد. این شایستگی ها، ظرفیت معلمان را برای ایجاد محیط های یادگیری حمایتگر، مشارکتی و انگیزه بخش افزایش می دهد و زمینه را برای شکل گیری تعاملات مثبت آموزشی فراهم می سازد (Jennings & Greenberg, ۲۰۰۹).

یکی از مهم ترین چارچوب های نظری در این حوزه، مدل «کلاس درس نوع دوستانه» (Prosocial Classroom Model) است که توسط جنینگز و گرینبرگ (۲۰۰۹) ارائه شده است. این مدل بیان می کند که شایستگی های اجتماعی-عاطفی معلمان از طریق کاهش استرس، بهبود مدیریت کلاس، افزایش کیفیت روابط معلم-دانش آموز و تقویت حمایت عاطفی، به ایجاد محیطی ایمن و اثربخش برای یادگیری منجر می شود. بر اساس این الگو، معلمان دارای مهارت های اجتماعی-عاطفی بالا، تعاملات مثبت



بیشتری با دانش‌آموزان برقرار می‌کنند، تعارض‌های کلاسی را اثربخش‌تر مدیریت می‌کنند و زمینه مشارکت فعال‌تر یادگیرندگان را فراهم می‌آورند.

از سوی دیگر، پژوهش‌های شونرت-رایخل (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که توسعه مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان نه تنها موجب افزایش سلامت روان، رضایت شغلی و خودکارآمدی آنان می‌شود، بلکه کیفیت تدریس، جو عاطفی کلاس، انگیزش تحصیلی و رشد اجتماعی-عاطفی دانش‌آموزان را نیز بهبود می‌بخشد. به همین دلیل، در سال‌های اخیر برنامه‌های مداخله‌ای متعددی برای آموزش این مهارت‌ها به معلمان طراحی شده است که نتایج آن‌ها کاهش فرسودگی شغلی، افزایش انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، بهبود روابط معلم-دانش‌آموز، ارتقای مدیریت کلاس و افزایش اثربخشی فرایند یاددهی-یادگیری را نشان داده‌اند (Schonert-Reichl, ۲۰۱۷).

اکوسیستم یادگیری

مفهوم اکوسیستم یادگیری (Learning Ecosystem) برگرفته از دیدگاه‌های سیستمی و نظریه‌های بوم‌شناختی است و یادگیری را حاصل تعامل پویا و مستمر میان مجموعه‌ای از عوامل انسانی، سازمانی، فرهنگی، فناورانه و محیطی می‌داند. برخلاف رویکردهای سنتی که یادگیری را صرفاً در چارچوب کلاس درس تعریف می‌کنند، دیدگاه اکوسیستم یادگیری بر این اصل استوار است که یادگیری محصول تعامل میان دانش‌آموزان، معلمان، خانواده، مدرسه، فناوری، منابع آموزشی، سیاست‌های آموزشی و محیط اجتماعی است و هرگونه تغییر در یکی از این اجزا می‌تواند عملکرد کل نظام یادگیری را تحت تأثیر قرار دهد (Barron, ۲۰۰۶).

در این رویکرد، کیفیت روابط انسانی، اعتماد متقابل، احساس تعلق، حمایت اجتماعی، امنیت روان‌شناختی، فرهنگ مدرسه، دسترسی به منابع آموزشی و فرصت‌های یادگیری، اجزای اساسی اکوسیستم یادگیری محسوب می‌شوند. هرچه تعامل میان این مؤلفه‌ها هماهنگ‌تر و اثربخش‌تر باشد، یادگیری نیز عمیق‌تر، پایدارتر و معنادارتر خواهد بود (OECD, ۲۰۲۰).

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) اکوسیستم یادگیری را شبکه‌ای از کنشگران، منابع، ساختارها و فرایندهای آموزشی می‌داند که از طریق تعامل مستمر، فرصت‌های یادگیری باکیفیت و پایدار را برای یادگیرندگان فراهم می‌کنند. در این چارچوب، معلمان یکی از مهم‌ترین عناصر این اکوسیستم محسوب می‌شوند؛ زیرا کیفیت روابطی که آنان با دانش‌آموزان برقرار می‌کنند، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری فرهنگ یادگیری، انگیزش تحصیلی، مشارکت فعال و احساس امنیت روان‌شناختی دانش‌آموزان دارد (OECD, ۲۰۲۰).

بر این اساس، می‌توان رابطه‌ای مفهومی میان مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان و کیفیت اکوسیستم یادگیری ترسیم کرد. هرچه معلمان از شایستگی‌های اجتماعی-عاطفی بالاتری برخوردار باشند، توانایی بیشتری در ایجاد روابط مثبت، مدیریت هیجان‌های کلاس، تقویت اعتماد، حمایت عاطفی و شکل‌دهی به فضای یادگیری مشارکتی خواهند داشت. این فرایند به ایجاد اکوسیستم یادگیری سالم، پویا و یادگیرنده منجر می‌شود؛ اکوسیستمی که در آن احساس امنیت، تعلق، انگیزش، مشارکت و یادگیری عمیق دانش‌آموزان تقویت شده و زمینه تحقق اهداف تربیتی و آموزشی فراهم می‌شود. از این منظر، مداخله در



مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان نه تنها به ارتقای شایستگی های فردی آنان می انجامد، بلکه راهبردی مؤثر برای بهبود کیفیت اکوسیستم یادگیری و افزایش اثربخشی نظام آموزشی به شمار می رود.

چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که ارتقای مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان می تواند از طریق بهبود کیفیت تعاملات آموزشی و روابط انسانی، زمینه شکل گیری اکوسیستم یادگیری اثربخش را فراهم آورد. تبیین این رابطه بر پایه تلفیق سه چارچوب نظری معتبر شامل چارچوب یادگیری اجتماعی-عاطفی CASEL، مدل کلاس درس نوع دوستانه (Prosocial Classroom Model) و نظریه اکولوژیک برونفن برنر انجام شده است. ترکیب این سه دیدگاه، امکان تحلیل چندبعدی نقش معلم در شکل دهی به محیط یادگیری را فراهم می کند.

نخستین پایه نظری پژوهش، چارچوب یادگیری اجتماعی-عاطفی CASEL است که مهارت های اجتماعی-عاطفی را در قالب پنج شایستگی اساسی شامل خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مهارت های ارتباطی و تصمیم گیری مسئولانه تبیین می کند. این چارچوب بیان می کند که برخورداری افراد از این شایستگی ها، توانایی آنان را در مدیریت هیجان ها، برقراری روابط سالم، حل مسئله، همکاری و سازگاری با موقعیت های اجتماعی افزایش می دهد. اگرچه این الگو در ابتدا برای رشد اجتماعی-عاطفی دانش آموزان ارائه شد، اما پژوهش های سال های اخیر نشان داده اند که همین شایستگی ها برای معلمان نیز پیش نیاز ایجاد محیط های یادگیری حمایتگر، تعاملات مثبت و آموزش اثربخش محسوب می شوند. از این منظر، توسعه مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان نه یک برنامه جانبی، بلکه بخشی از شایستگی حرفه ای آنان به شمار می رود.

دومین پایه نظری پژوهش، مدل کلاس درس نوع دوستانه جنینگز و گرینبرگ (۲۰۰۹) است که یکی از جامع ترین الگوهای تبیین کننده نقش مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان در کیفیت فرایند آموزش است. این مدل نشان می دهد که شایستگی های اجتماعی-عاطفی معلمان، کیفیت مدیریت کلاس، نحوه تعامل با دانش آموزان، میزان حمایت عاطفی، احساس امنیت روان شناختی و جو اجتماعی کلاس را تحت تأثیر قرار می دهد. بر اساس این دیدگاه، معلمانی که توانایی بیشتری در تنظیم هیجان ها، همدلی، مدیریت تعارض و برقراری ارتباط مؤثر دارند، کلاس هایی آرام تر، مشارکتی تر و یادگیرنده تر ایجاد می کنند. در مقابل، ضعف در این شایستگی ها می تواند به افزایش تنش، کاهش تعاملات مثبت، افت انگیزش یادگیرندگان و در نهایت کاهش کیفیت یادگیری منجر شود. بنابراین، این مدل سازوکار اثرگذاری مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان بر محیط آموزشی را به خوبی تبیین می کند.

سومین مبای نظری پژوهش، نظریه اکولوژیک برونفن برنر است که رشد و یادگیری انسان را نتیجه تعامل مستمر فرد با محیط های مختلف می داند. بر اساس این نظریه، کلاس درس یکی از مهم ترین خرده نظام های رشد است که کیفیت روابط میان معلم، دانش آموز، همسالان و سایر عوامل محیطی، بر فرایند یادگیری و رشد فرد اثر می گذارد. از این منظر، معلم تنها یک انتقال دهنده دانش نیست، بلکه یکی از مهم ترین عناصر شکل دهنده محیط یادگیری محسوب می شود. هرگونه تغییر در شایستگی های حرفه ای و اجتماعی-عاطفی معلم می تواند به تغییر در کیفیت تعاملات کلاس، فرهنگ مدرسه و در نهایت کل اکوسیستم یادگیری منجر شود.



بر مبنای تلفیق این سه چارچوب نظری، می‌توان چنین استدلال کرد که مداخلات مبتنی بر توسعه مهارت‌های اجتماعی-عاطفی، ابتدا موجب ارتقای خودآگاهی، خودمدیریتی، همدلی، مهارت‌های ارتباطی و تصمیم‌گیری مسئولانه معلمان می‌شود. این تغییرات، کیفیت تعاملات آموزشی، مدیریت کلاس، حمایت عاطفی، اعتماد متقابل و امنیت روان‌شناختی را بهبود می‌بخشد و در ادامه، مشارکت فعال دانش‌آموزان، احساس تعلق، انگیزش، همکاری و یادگیری عمیق‌تر را تقویت می‌کند. در نتیجه، اکوسیستم یادگیری به محیطی پویا، مشارکتی، حمایتگر و اثربخش تبدیل می‌شود که در آن تمامی اجزای نظام آموزشی در تعامل با یکدیگر، زمینه تحقق اهداف آموزشی و تربیتی را فراهم می‌آورند.

بر این اساس، چارچوب نظری پژوهش حاضر بیان می‌کند که مداخله در مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان، از طریق بهبود شایستگی‌های فردی و حرفه‌ای آنان، کیفیت روابط آموزشی و جو روانی کلاس را ارتقا داده و در نهایت موجب بهبود اکوسیستم یادگیری می‌شود. بنابراین، مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان به‌عنوان متغیر مداخله‌ای و راهبردی، یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر کیفیت محیط‌های یادگیری و اثربخشی فرایند تعلیم و تربیت محسوب می‌شوند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده در دو دهه اخیر نشان می‌دهد که مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در ارتقای کیفیت فرایند آموزش و یادگیری، به‌طور گسترده مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. این مطالعات بیانگر آن است که توسعه این مهارت‌ها نه‌تنها موجب بهبود عملکرد حرفه‌ای معلمان می‌شود، بلکه از طریق تقویت کیفیت تعاملات آموزشی، نقش مهمی در شکل‌گیری محیط‌های یادگیری سالم، مشارکتی و اثربخش ایفا می‌کند.

یکی از تأثیرگذارترین پژوهش‌ها در این زمینه، مطالعه جنینگز و گرینبرگ (۲۰۰۹) با عنوان «مدل کلاس درس نوع‌دوستانه» (Prosocial Classroom Model) است. این پژوهش با ارائه یک چارچوب نظری جامع نشان داد که شایستگی‌های اجتماعی-عاطفی معلمان، زیربنای مدیریت مؤثر کلاس، ایجاد روابط مثبت با دانش‌آموزان، کاهش تعارض‌های کلاسی و شکل‌گیری فضای یادگیری حمایتگر محسوب می‌شود. بر اساس این مدل، برخورداری معلمان از مهارت‌هایی نظیر خودآگاهی، تنظیم هیجان، همدلی و مدیریت روابط، به ایجاد محیطی ایمن و مثبت برای یادگیری منجر شده و در نهایت، پیامدهای تحصیلی، اجتماعی و رفتاری دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد.

در ادامه، دورلاک، وایسبرگ، دایمنیکی، تیلور و شلینگر (۲۰۱۱) در یکی از جامع‌ترین فراتحلیل‌های انجام‌شده در حوزه یادگیری اجتماعی-عاطفی، با بررسی ۲۱۳ برنامه آموزشی و بیش از ۲۷۰ هزار دانش‌آموز، نشان دادند که اجرای برنامه‌های مبتنی بر یادگیری اجتماعی-عاطفی موجب افزایش مهارت‌های اجتماعی، بهبود نگرش‌ها، کاهش مشکلات رفتاری، ارتقای سلامت روان و افزایش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش آن بود که اثربخشی این برنامه‌ها زمانی بیشینه می‌شود که اجرای آن‌ها توسط معلمان آموزش‌دیده و دارای شایستگی‌های اجتماعی-عاطفی مناسب انجام گیرد؛ موضوعی که اهمیت سرمایه‌گذاری بر توانمندسازی معلمان را بیش از پیش آشکار می‌سازد.



شونرت-رایخل (۲۰۱۷) نیز با تمرکز بر نقش معلمان در موفقیت برنامه های یادگیری اجتماعی-عاطفی، بیان کرد که سلامت روان، خودکارآمدی و شایستگی های اجتماعی-عاطفی معلمان از مهمترین پیش شرط های اجرای موفق این برنامه ها در مدارس است. نتایج پژوهش وی نشان داد که معلمان دارای مهارت های اجتماعی-عاطفی قوی تر، روابط مثبت تر و مؤثرتری با دانش آموزان برقرار می کنند، جو عاطفی مطلوب تری در کلاس ایجاد می نمایند و از طریق افزایش احساس امنیت، اعتماد و مشارکت، زمینه یادگیری عمیق تر و رشد همه جانبه دانش آموزان را فراهم می آورند.

علاوه بر این، مطالعات جدید نشان می دهد که کیفیت رابطه معلم و دانش آموز، سبک های تدریس مشارکتی، حمایت عاطفی معلم و امنیت روان شناختی کلاس، از مهمترین عوامل مؤثر بر کیفیت اکوسیستم یادگیری محسوب می شوند. این پژوهش ها تأکید می کنند که هرچه تعاملات آموزشی مبتنی بر اعتماد، احترام متقابل و همدلی باشد، احساس تعلق، انگیزش تحصیلی، مشارکت فعال و یادگیری پایدار دانش آموزان نیز افزایش خواهد یافت. از این رو، مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان را می توان یکی از مهمترین پیشایندهای شکل گیری اکوسیستم یادگیری اثربخش دانست.

مرور پژوهش های پیشین نشان می دهد که اگرچه نقش مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان در بهبود روابط آموزشی، مدیریت کلاس، سلامت روان و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به خوبی مورد تأیید قرار گرفته است، اما بخش عمده این مطالعات بر توصیف وضعیت موجود یا بررسی پیامدهای این مهارت ها متمرکز بوده اند. در مقابل، پژوهش هایی که به صورت مشخص به مداخلات هدفمند برای ارتقای مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان و نقش این مداخلات در بهبود اکوسیستم یادگیری پرداخته باشند، همچنان محدود است. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام پژوهش حاضر را آشکار می سازد و نشان می دهد که بررسی اثر مداخلات مبتنی بر توسعه مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان بر کیفیت اکوسیستم یادگیری می تواند به غنای ادبیات نظری و ارائه راهکارهای کاربردی برای نظام های آموزشی کمک کند.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، یک پژوهش مروری-تحلیلی (Narrative Review) است که با هدف تبیین نقش مداخلات مبتنی بر مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان در بهبود اکوسیستم یادگیری انجام شده است. در این پژوهش، با بهره گیری از رویکرد تحلیل و ترکیب شواهد، تلاش شده است تا یافته های پژوهش های پیشین، چارچوب های نظری و اسناد معتبر بین المللی و داخلی به صورت نظام مند بررسی، مقایسه و تحلیل شوند و بر اساس آنها، تصویری جامع از نقش مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان در ارتقای کیفیت محیط های یادگیری ارائه گردد.

فرایند گردآوری منابع در چند مرحله انجام شد. ابتدا کلیدواژه های اصلی پژوهش شامل «مهارت های اجتماعی-عاطفی»، «یادگیری اجتماعی-عاطفی»، «مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان»، «اکوسیستم یادگیری»، «توسعه حرفه ای معلمان»، «مداخلات آموزشی» و معادل های انگلیسی آنها (Social and Emotional Learning, Social-Emotional Skills, Teacher Social-Emotional Competence, Learning Ecosystem, Teacher Professional Development, Educational Intervention) تعیین گردید. سپس جستجوی منابع در پایگاه های اطلاعاتی معتبر داخلی و بین المللی انجام شد.



برای گردآوری منابع فارسی از پایگاه‌های اطلاعاتی SID، Magiran، نورمگز و Civilica و برای بازایی منابع انگلیسی از پایگاه‌های Scopus، Web of Science، ERIC، ScienceDirect، Wiley Online Library و SpringerLink و Google Scholar استفاده شد. همچنین، گزارش‌ها و اسناد منتشرشده توسط سازمان‌های بین‌المللی از جمله OECD و CASEL که از مراجع اصلی در حوزه یادگیری اجتماعی-عاطفی به شمار می‌روند، در فرایند بررسی منابع مورد استفاده قرار گرفتند.

معیارهای ورود منابع شامل ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش، انتشار در مجلات علمی معتبر، برخورداری از کیفیت علمی مناسب، دسترسی به متن کامل و انتشار به‌ویژه در سال‌های اخیر بود. در عین حال، به‌منظور بهره‌گیری از نظریه‌ها و مدل‌های بنیان‌گذار این حوزه، برخی منابع کلاسیک و پرارجاع نیز در تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گرفتند. منابعی که ارتباط مستقیمی با موضوع پژوهش نداشتند، فاقد اعتبار علمی بودند یا اطلاعات آن‌ها تکراری بود، از فرایند بررسی کنار گذاشته شدند.

پس از گردآوری منابع، داده‌های استخراج‌شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی (Qualitative Content Analysis) مورد بررسی قرار گرفت. در این مرحله، مفاهیم، مؤلفه‌ها، یافته‌ها و دیدگاه‌های مطرح‌شده در مطالعات مختلف استخراج، طبقه‌بندی و مقایسه شدند. سپس با تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود، ارتباط میان مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان، مداخلات آموزشی و اکوسیستم یادگیری تبیین و در قالب چارچوبی منسجم ارائه گردید.

به‌منظور افزایش اعتبار علمی پژوهش، از اصل مثلث‌سازی منابع (Source Triangulation) استفاده شد؛ به این معنا که یافته‌های حاصل از مقالات پژوهشی، کتاب‌های تخصصی، اسناد سیاستی و گزارش‌های سازمان‌های معتبر بین‌المللی به‌صورت تطبیقی بررسی شدند. همچنین، تلاش شد از جدیدترین شواهد علمی در کنار منابع مرجع و کلاسیک استفاده شود تا ضمن حفظ جامعیت، تحلیل‌های ارائه‌شده از پشتوانه نظری و تجربی کافی برخوردار باشند.

یافته ها

۱. مداخله در مهارت‌های اجتماعی-عاطفی و ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان

تحلیل مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که مداخلات مبتنی بر توسعه مهارت‌های اجتماعی-عاطفی، یکی از مؤثرترین راهبردهای ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان در نظام‌های آموزشی معاصر است. اگرچه در گذشته توانمندسازی معلمان عمدتاً بر توسعه دانش تخصصی و مهارت‌های آموزشی متمرکز بود، اما پژوهش‌های سال‌های اخیر نشان می‌دهد که اثربخشی تدریس، علاوه بر دانش محتوایی و روش‌شناختی، به میزان قابل‌توجهی تحت تأثیر توانایی معلمان در مدیریت هیجان‌ها، برقراری روابط بین‌فردی مؤثر، همدلی، خودآگاهی و تصمیم‌گیری مسئولانه قرار دارد. بر این اساس، مهارت‌های اجتماعی-عاطفی به‌عنوان یکی از ابعاد اساسی شایستگی حرفه‌ای معلمان شناخته می‌شود.

مرور مطالعات بیانگر آن است که برنامه‌های مداخله‌ای مبتنی بر یادگیری اجتماعی-عاطفی، زمینه رشد ابعاد مختلف شایستگی حرفه‌ای معلمان را فراهم می‌کنند. این مداخلات با تقویت خودآگاهی، به معلمان کمک



می کنند نقاط قوت و ضعف حرفه ای، الگوهای هیجانی و شیوه های تعامل خود با دانش آموزان را بهتر بشناسند. همچنین، توسعه مهارت خودمدیریتی موجب افزایش توانایی معلمان در کنترل هیجان ها، مدیریت فشارهای شغلی، حفظ آرامش در موقعیت های تنش زا و اتخاذ تصمیم های منطقی در شرایط پیچیده آموزشی می شود.

از سوی دیگر، پژوهش ها نشان می دهد که ارتقای آگاهی اجتماعی و مهارت های ارتباطی، کیفیت تعاملات حرفه ای معلمان با دانش آموزان، همکاران، مدیران و والدین را بهبود می بخشد. معلمان برخوردار از این شایستگی ها، درک عمیق تری از تفاوت های فردی، نیازهای هیجانی و شرایط اجتماعی دانش آموزان دارند و در نتیجه، راهبردهای آموزشی خود را متناسب با ویژگی های یادگیرندگان تنظیم می کنند. این امر علاوه بر افزایش اثربخشی تدریس، به ایجاد محیط های یادگیری فراگیر، عادلانه و حمایتگر نیز کمک می کند.

تحلیل مطالعات همچنین نشان داد که توسعه مهارت های اجتماعی-عاطفی، خودکارآمدی حرفه ای معلمان را تقویت می کند. معلمانی که آموزش های مرتبط با تنظیم هیجان، حل مسئله، ارتباط مؤثر و تصمیم گیری مسئولانه را دریافت کرده اند، اعتماد بیشتری نسبت به توانایی خود در مدیریت کلاس، حل تعارضات و هدایت فرایند یادگیری دارند. افزایش خودکارآمدی نیز به نوبه خود موجب ارتقای انگیزه شغلی، انعطاف پذیری حرفه ای و تمایل بیشتر به نوآوری در تدریس می شود.

علاوه بر این، یافته های پژوهش های اخیر نشان می دهد که شایستگی های اجتماعی-عاطفی، نقش مهمی در توسعه هویت حرفه ای معلمان ایفا می کنند. معلمانی که از توانایی بالایی در مدیریت هیجان ها، همدلی و ارتباطات انسانی برخوردارند، نگرش مثبت تری نسبت به حرفه معلمی داشته و مسئولیت پذیری بیشتری در قبال رشد تحصیلی و اجتماعی دانش آموزان از خود نشان می دهند. از این رو، توسعه این مهارت ها را می توان یکی از ارکان اساسی توانمندسازی حرفه ای معلمان و ارتقای کیفیت آموزش در مدارس دانست.

۲. تأثیر مداخلات مبتنی بر مهارت های اجتماعی-عاطفی بر مدیریت کلاس درس

یکی دیگر از مهم ترین یافته های حاصل از تحلیل مطالعات، نقش تعیین کننده مداخلات اجتماعی-عاطفی در بهبود مدیریت کلاس درس است. مدیریت کلاس در رویکردهای نوین آموزشی، صرفاً به کنترل رفتار دانش آموزان محدود نمی شود، بلکه شامل ایجاد محیطی ایمن، منظم، انگیزه بخش و مبتنی بر تعاملات مثبت است. مطالعات بررسی شده نشان می دهد که معلمان برخوردار از مهارت های اجتماعی-عاطفی، توانایی بیشتری در ایجاد چنین محیط هایی دارند.

برنامه های آموزشی مبتنی بر یادگیری اجتماعی-عاطفی، به معلمان می آموزند چگونه در مواجهه با رفتارهای چالش برانگیز دانش آموزان، به جای واکنش های هیجانی و تنبیهی، از راهبردهای مبتنی بر گفت و گو، همدلی،



حل مسئله و مدیریت تعارض استفاده کنند. این تغییر رویکرد موجب کاهش تنش های کلاسی، افزایش احساس عدالت و تقویت روابط مبتنی بر اعتماد میان معلم و دانش آموز می شود.

بررسی مطالعات همچنین نشان می دهد که مداخلات اجتماعی-عاطفی، توانایی معلمان را در پیشگیری از بروز مشکلات رفتاری افزایش می دهد. معلمانی که از مهارت های ارتباطی و تنظیم هیجان بالاتری برخوردارند، با ایجاد انتظارات روشن، ارائه بازخوردهای سازنده، تقویت رفتارهای مطلوب و مدیریت مناسب هیجان های خود، فضای کلاس را به گونه ای هدایت می کنند که احتمال بروز تعارضات و رفتارهای ناسازگار کاهش می یابد.

از سوی دیگر، یافته ها بیانگر آن است که مدیریت کلاس زمانی اثربخش خواهد بود که دانش آموزان احساس امنیت روان شناختی، احترام و تعلق داشته باشند. معلمان دارای شایستگی های اجتماعی-عاطفی، با گوش دادن فعال، احترام به تفاوت های فردی، حمایت عاطفی و مشارکت دادن دانش آموزان در فرایند یادگیری، زمینه شکل گیری چنین فضایی را فراهم می کنند. در نتیجه، مشارکت دانش آموزان در فعالیت های آموزشی افزایش یافته و تعاملات کلاسی از حالت یک سو به فرایندی مشارکتی و یادگیرنده محور تبدیل می شود.

همچنین، مطالعات نشان می دهد که بهبود مدیریت کلاس از طریق توسعه مهارت های اجتماعی-عاطفی، پیامدهای بلندمدتی نیز برای نظام آموزشی به همراه دارد. کاهش رفتارهای مسئله ساز، افزایش نظم کلاس، بهبود تمرکز دانش آموزان، ارتقای کیفیت یادگیری و کاهش فشارهای روانی معلمان، از جمله مهم ترین نتایج این مداخلات است. افزون بر این، مدیریت اثربخش کلاس موجب می شود معلمان زمان بیشتری را به فعالیت های یاددهی-یادگیری اختصاص دهند و از صرف زمان برای کنترل رفتارهای نامطلوب بکاهند.

در مجموع، تحلیل مطالعات نشان می دهد که مداخلات مبتنی بر مهارت های اجتماعی-عاطفی، مدیریت کلاس را از یک فرایند صرفاً انضباطی به فرایندی آموزشی، تعاملی و حمایتی تبدیل می کند. این تحول نه تنها کیفیت تدریس را ارتقا می دهد، بلکه زمینه شکل گیری محیطی پویا، امن و یادگیرنده محور را فراهم می سازد که یکی از ارکان اساسی اکوسیستم یادگیری اثربخش به شمار می رود.

۳. نقش مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان در بهبود روابط معلم و دانش آموز

یکی از مهم ترین مضامین استخراج شده از مطالعات بررسی شده، نقش محوری مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان در شکل گیری و تداوم روابط مثبت میان معلم و دانش آموز است. امروزه کیفیت رابطه معلم و دانش آموز به عنوان یکی از مهم ترین شاخص های اثربخشی آموزش شناخته می شود و پژوهش های متعدد نشان داده اند که این رابطه، نه تنها بر عملکرد تحصیلی، بلکه بر رشد اجتماعی، عاطفی و شخصیتی دانش آموزان نیز تأثیر عمیقی دارد. در این میان، مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان زمینه ایجاد ارتباطی مبتنی بر اعتماد، احترام متقابل، همدلی و حمایت عاطفی را فراهم می آورد.



تحلیل مطالعات نشان می‌دهد که معلمانی که از سطح بالاتری از خودآگاهی و خودمدیریتی برخوردارند، در مواجهه با رفتارهای متفاوت دانش‌آموزان واکنش‌های سنجیده‌تر و حرفه‌ای‌تری از خود نشان می‌دهند. این معلمان به جای واکنش‌های هیجانی، از راهبردهایی مانند گفت‌وگوی سازنده، بازخورد مثبت، تشویق رفتارهای مطلوب و حل مشارکتی مسئله استفاده می‌کنند. چنین رویکردی موجب افزایش اعتماد دانش‌آموزان به معلم و تقویت احساس امنیت روان‌شناختی در کلاس می‌شود.

از سوی دیگر، توسعه آگاهی اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی به معلمان کمک می‌کند تا تفاوت‌های فردی، فرهنگی و هیجانی دانش‌آموزان را بهتر درک کنند. این شناخت موجب می‌شود معلمان بتوانند نیازهای متنوع یادگیرندگان را شناسایی کرده و شیوه‌های تدریس و تعامل خود را متناسب با ویژگی‌های آنان تنظیم کنند. در نتیجه، دانش‌آموزان احساس می‌کنند که دیده می‌شوند، مورد احترام قرار می‌گیرند و در فرایند یادگیری نقش فعالی دارند؛ احساسی که یکی از عوامل اساسی در افزایش انگیزش و مشارکت آموزشی محسوب می‌شود.

مطالعات همچنین نشان می‌دهد که روابط مثبت معلم و دانش‌آموز، نقش محافظتی مهمی در برابر بسیاری از مشکلات رفتاری و هیجانی دارد. دانش‌آموزانی که از حمایت عاطفی معلم برخوردار هستند، اضطراب کمتری را تجربه می‌کنند، اعتمادبه‌نفس بیشتری دارند، تعاملات اجتماعی مطلوب‌تری برقرار می‌کنند و در برابر چالش‌های آموزشی از تاب‌آوری بیشتری برخوردارند. بنابراین، مداخلات مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی-عاطفی نه تنها کیفیت تعاملات روزمره را بهبود می‌بخشند، بلکه زمینه رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان را نیز فراهم می‌کنند.

یافته‌های پژوهش‌های اخیر همچنین بیانگر آن است که روابط مثبت میان معلم و دانش‌آموز به شکل‌گیری فرهنگ مدرسه‌ای مبتنی بر احترام، همکاری و یادگیری مشارکتی منجر می‌شود. در چنین فضایی، تعارض‌های بین‌فردی کاهش یافته، تعاملات مثبت افزایش می‌یابد و دانش‌آموزان با احساس تعلق بیشتری در فعالیتهای آموزشی مشارکت می‌کنند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که توسعه مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان، یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای ایجاد روابط آموزشی اثربخش و ارتقای کیفیت تجربه یادگیری در مدارس است.

۴. تأثیر مداخلات مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی-عاطفی بر سلامت روان، خودکارآمدی و کاهش فرسودگی شغلی معلمان

تحلیل مطالعات نشان می‌دهد که سلامت روان و بهزیستی حرفه‌ای معلمان، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت تدریس و اثربخشی نظام آموزشی است. در سال‌های اخیر، افزایش فشارهای شغلی، تغییرات سریع محیط‌های آموزشی، گسترش مسئولیت‌های حرفه‌ای و پیامدهای ناشی از تحولات اجتماعی و فناوری، موجب شده است که بسیاری از معلمان سطوح بالایی از استرس، خستگی هیجانی و فرسودگی شغلی را تجربه کنند. در



چنین شرایطی، مداخلات مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی-عاطفی به‌عنوان یکی از مؤثرترین راهبردهای ارتقای سلامت روان معلمان معرفی شده‌اند.

مطالعات بررسی‌شده نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌هایی مانند خودآگاهی، تنظیم هیجان، مدیریت استرس، ذهن‌آگاهی، همدلی و حل مسئله، توانایی معلمان را در مقابله با فشارهای شغلی افزایش می‌دهد. این مهارت‌ها به آنان کمک می‌کند تا در موقعیت‌های دشوار آموزشی، واکنش‌های هیجانی خود را مدیریت کرده، تصمیم‌های منطقی‌تری اتخاذ کنند و تعادل روانی خود را حفظ نمایند. در نتیجه، میزان اضطراب، تنش و خستگی هیجانی کاهش یافته و احساس رضایت از حرفه معلمی افزایش می‌یابد.

یکی دیگر از یافته‌های مهم مطالعات، ارتباط مثبت میان مهارت‌های اجتماعی-عاطفی و خودکارآمدی حرفه‌ای معلمان است. معلمانی که از توانایی بیشتری در مدیریت هیجان‌ها و برقراری روابط مؤثر برخوردارند، اعتماد بیشتری به توانایی خود در اداره کلاس، حل مسائل آموزشی و پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع دانش‌آموزان دارند. این احساس خودکارآمدی، انگیزه برای یادگیری مستمر، نوآوری در تدریس و پذیرش تغییرات آموزشی را افزایش داده و زمینه رشد حرفه‌ای پایدار را فراهم می‌کند.

از سوی دیگر، بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که میان سطح مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان و میزان فرسودگی شغلی آنان رابطه‌ای معکوس وجود دارد. معلمانی که آموزش‌های لازم را در زمینه مدیریت هیجان، تاب‌آوری، ارتباط مؤثر و مقابله با استرس دریافت کرده‌اند، کمتر دچار فرسودگی هیجانی، احساس ناکارآمدی و کاهش انگیزه شغلی می‌شوند. این امر نه تنها بر سلامت روان آنان تأثیر مثبت دارد، بلکه کیفیت تعاملات آموزشی و روابط آنان با دانش‌آموزان را نیز بهبود می‌بخشد.

همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که بهبود سلامت روان معلمان، آثار گسترده‌ای بر اکوسیستم یادگیری دارد. معلمان برخوردار از سلامت روان مطلوب، کلاس‌هایی آرام‌تر، منظم‌تر و حمایت‌گرا تر ایجاد می‌کنند، تعاملات مثبت بیشتری با دانش‌آموزان دارند و بهتر می‌توانند انگیزه و مشارکت آنان را در فعالیت‌های آموزشی افزایش دهند. در مقابل، فرسودگی شغلی و استرس مزمن می‌تواند به کاهش کیفیت تدریس، افزایش تعارضات کلاسی و افت کیفیت یادگیری منجر شود.

در مجموع، مطالعات نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در توسعه مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان، صرفاً راهبردی برای ارتقای توانایی‌های فردی آنان نیست، بلکه اقدامی مؤثر در جهت حفظ سلامت روان، افزایش تاب‌آوری، تقویت خودکارآمدی و کاهش فرسودگی شغلی محسوب می‌شود. این پیامدها در نهایت به ارتقای کیفیت تعاملات آموزشی، بهبود عملکرد مدارس و شکل‌گیری محیط‌های یادگیری سالم و پایدار منجر خواهد شد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش مروری-تحلیلی نشان داد که مداخله در مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان، یکی از مؤثرترین راهبردها برای ارتقای کیفیت اکوسیستم یادگیری در مدارس محسوب می‌شود. تحلیل مطالعات داخلی و خارجی بیانگر آن است که توسعه شایستگی‌هایی نظیر خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی و تصمیم‌گیری مسئولانه، نه تنها موجب بهبود عملکرد فردی و حرفه‌ای معلمان می‌شود، بلکه از طریق ارتقای کیفیت تعاملات آموزشی، ایجاد فضای روان‌شناختی ایمن و تقویت فرهنگ یادگیری مشارکتی، زمینه تحقق یادگیری عمیق و پایدار را فراهم می‌آورد.

نتایج این پژوهش با چارچوب نظری یادگیری اجتماعی-عاطفی CASEL همسو است. بر اساس این چارچوب، توسعه مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان، پیش‌نیاز ایجاد محیط‌های یادگیری حمایتگر و اثربخش است. همچنین، یافته‌های پژوهش حاضر با مدل «کلاس درس نوع‌دوستانه» جنینگز و گرینبرگ (۲۰۰۹) همخوانی دارد؛ مدلی که بیان می‌کند شایستگی‌های اجتماعی-عاطفی معلمان، از طریق بهبود مدیریت کلاس، افزایش کیفیت روابط معلم و دانش‌آموز و تقویت حمایت عاطفی، پیامدهای آموزشی و تربیتی مطلوب‌تری را رقم می‌زند. افزون بر این، نتایج با گزارش‌های اخیر OECD و CASEL نیز همسو است که بر نقش محوری معلمان در ایجاد محیط‌های یادگیری ایمن، مشارکتی و یادگیرنده‌محور تأکید دارند.

بررسی مطالعات نشان داد که تأثیر مداخلات اجتماعی-عاطفی تنها به ارتقای توانمندی‌های فردی معلمان محدود نمی‌شود، بلکه آثار آن در سطوح مختلف اکوسیستم یادگیری قابل مشاهده است. معلمانی که از شایستگی‌های اجتماعی-عاطفی بالاتری برخوردارند، روابط مؤثرتری با دانش‌آموزان برقرار می‌کنند، تعارض‌های کلاسی را سازنده‌تر مدیریت می‌نمایند، احساس تعلق و امنیت روان‌شناختی را در کلاس افزایش می‌دهند و مشارکت فعال دانش‌آموزان را تسهیل می‌کنند. در نتیجه، محیط یادگیری از فضایی صرفاً آموزشی به محیطی پویا، تعاملی و حمایتگر تبدیل می‌شود که در آن فرصت رشد شناختی، اجتماعی و عاطفی به‌طور هم‌زمان فراهم می‌شود.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان داد که اثربخشی مداخلات در مهارت‌های اجتماعی-عاطفی، به نحوه طراحی و اجرای آن‌ها وابسته است. مطالعات بررسی‌شده تأکید دارند که برگزاری کارگاه‌های کوتاه‌مدت و مقطعی، به‌تنهایی نمی‌تواند تغییرات پایدار در عملکرد حرفه‌ای معلمان ایجاد کند. در مقابل، زمانی که این مداخلات به‌عنوان بخشی از برنامه‌های توسعه حرفه‌ای مستمر، همراه با حمایت مدیران مدارس، فرهنگ سازمانی یادگیرنده و فرصت‌های بازاندیشی حرفه‌ای اجرا شوند، تأثیر آن‌ها بر کیفیت اکوسیستم یادگیری به‌مراتب بیشتر خواهد بود.

با وجود اهمیت روزافزون مهارت‌های اجتماعی-عاطفی در نظام‌های آموزشی، بررسی مطالعات داخلی نشان می‌دهد که در ایران هنوز برنامه‌ای منسجم، نظام‌مند و مبتنی بر شواهد برای توسعه این شایستگی‌ها در میان معلمان وجود ندارد و آموزش این مهارت‌ها غالباً به فعالیت‌های پراکنده و کوتاه‌مدت محدود شده است. این در حالی است که اسناد تحول‌آفرین آموزش و پرورش بر تربیت همه‌جانبه، سلامت روان و ارتقای کیفیت یادگیری تأکید دارند. از این‌رو، توجه به توسعه مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان می‌تواند یکی از راهبردهای اساسی در تحقق اهداف این اسناد و بهبود کیفیت مدارس باشد.



با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان، آموزش مهارت‌های اجتماعی-عاطفی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی خود در نظر بگیرند. همچنین، مدیران مدارس و سیاست‌گذاران آموزشی می‌توانند با ایجاد محیط‌های سازمانی حمایت‌گر، تقویت فرهنگ یادگیری حرفه‌ای، بهره‌گیری از مربیگری آموزشی و طراحی برنامه‌های توانمندسازی مبتنی بر شواهد، زمینه توسعه پایدار این مهارت‌ها را فراهم سازند. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در مطالعات آینده، اثربخشی مداخلات مختلف در حوزه مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان را با استفاده از طرح‌های نیمه‌آزمایشی، طولی و ترکیبی بررسی کرده و نقش متغیرهایی مانند فرهنگ مدرسه، سبک رهبری مدیران، خودکارآمدی معلمان و فناوری‌های نوین آموزشی را در بهبود اکوسیستم یادگیری مورد مطالعه قرار دهند.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که مداخله در مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان، صرفاً برنامه‌ای برای ارتقای شایستگی‌های فردی نیست، بلکه راهبردی بنیادین برای تحول محیط‌های یادگیری و ارتقای کیفیت نظام آموزشی به شمار می‌رود. سرمایه‌گذاری در توسعه این مهارت‌ها، ضمن افزایش توانمندی حرفه‌ای معلمان، به شکل‌گیری مدارس یادگیرنده، ارتقای سلامت روان، تقویت تعاملات انسانی و بهبود پیامدهای آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان منجر خواهد شد. از این‌رو، ادغام آموزش مهارت‌های اجتماعی-عاطفی در سیاست‌های توسعه حرفه‌ای معلمان و برنامه‌های تحول آموزشی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای پاسخ‌گویی به نیازهای نظام‌های آموزشی در قرن بیست‌ویکم است.

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر با وجود تلاش برای ارائه تحلیلی جامع از نقش مداخلات مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان در بهبود اکوسیستم یادگیری، با محدودیت‌هایی نیز همراه بود. نخست، این پژوهش از نوع مروری-تحلیلی است و یافته‌های آن بر پایه تحلیل و ترکیب مطالعات و شواهد موجود استوار است؛ از این‌رو، نتایج ارائه‌شده مبتنی بر داده‌های میدانی جدید نیست و تعمیم آن‌ها باید با توجه به ویژگی‌ها و زمینه مطالعات بررسی‌شده صورت گیرد.

دوم، اگرچه در فرایند گردآوری منابع تلاش شد از جدیدترین پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی و پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر استفاده شود، اما احتمال دارد برخی مطالعات منتشرشده در پایگاه‌های محدود، منابع غیرقابل دسترس یا پژوهش‌های منتشرشده به زبان‌های دیگر در این مرور وارد نشده باشند. همچنین، تفاوت در روش‌شناسی، جامعه‌های آماری، ابزارهای اندازه‌گیری و زمینه‌های فرهنگی مطالعات مورد بررسی، امکان مقایسه مستقیم همه یافته‌ها را با محدودیت‌هایی همراه می‌سازد.

سوم، مفهوم اکوسیستم یادگیری پدیده‌ای چندبعدی و متأثر از عوامل متعددی همچون فرهنگ مدرسه، سبک رهبری مدیران، ویژگی‌های دانش‌آموزان، مشارکت خانواده، امکانات آموزشی و سیاست‌های کلان نظام تعلیم و تربیت است. از این‌رو، تمرکز پژوهش حاضر بر نقش مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان، به معنای نادیده گرفتن سایر عوامل اثرگذار نیست، بلکه این متغیر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قابل مداخله مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به این محدودیت‌ها، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، اثربخشی برنامه‌های مداخله‌ای در حوزه مهارت‌های اجتماعی-عاطفی معلمان با استفاده از پژوهش‌های تجربی، نیمه‌آزمایشی، طولی و



ترکیبی بررسی شود. همچنین، مطالعه نقش متغیرهای میانجی و تعدیل کننده، مانند فرهنگ سازمانی مدرسه، سبک رهبری آموزشی، خودکارآمدی معلمان، فناوری های نوین آموزشی و مشارکت خانواده، می تواند به تبیین دقیق تر سازوکارهای اثرگذاری این مداخلات بر اکوسیستم یادگیری کمک کند.

بیان نوآوری پژوهش

نوآوری پژوهش حاضر در ارائه تحلیلی جامع از نقش مداخلات مبتنی بر مهارت های اجتماعی-عاطفی معلمان در بهبود اکوسیستم یادگیری است. برخلاف بسیاری از مطالعات که صرفاً به تأثیر مهارت های اجتماعی-عاطفی بر عملکرد معلمان یا پیامدهای تحصیلی دانش آموزان پرداخته اند، این پژوهش با تلفیق یافته های پژوهش های داخلی و بین المللی، ارتباط میان مداخلات اجتماعی-عاطفی، توسعه حرفه ای معلمان و شکل گیری اکوسیستم یادگیری را در قالب یک چارچوب تحلیلی منسجم تبیین کرده و بر نقش این مداخلات به عنوان راهبردی مؤثر در ارتقای کیفیت محیط های آموزشی تأکید می کند.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله نویسندگان از تمامی پژوهشگران و صاحب نظرانی که آثار علمی آنان در تدوین این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است، قدردانی می کنند. همچنین از داوران و سردبیر محترم مجله بابت صرف وقت و ارائه دیدگاه های ارزشمند برای بهبود کیفیت مقاله، صمیمانه سپاسگزاری می شود.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می کنند که در انجام پژوهش حاضر هیچ گونه تعارض منافی اعم از مالی، سازمانی، شخصی یا حرفه ای وجود نداشته است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان در طراحی ایده پژوهش، گردآوری و بررسی منابع، تحلیل و تفسیر یافته ها، نگارش، بازنگری علمی و تأیید نسخه نهایی مقاله مشارکت داشته اند و مسئولیت محتوای مقاله را به طور مشترک بر عهده می گیرند.

منابع

منابع فارسی:

بندک، موسی و کاملی، شیلان. (۱۳۹۵). برنامه درسی آموزش مهارت های زندگی ویژه معلمان مقطع ابتدایی. تهران: انتشارات گسترش علوم پایه.

حسینی، سیدمحمد و احمدی، زهرا. (۱۴۰۰). «رابطه هوش هیجانی و فرسودگی شغلی معلمان». فصلنامه پژوهش های نوین روان شناختی، ۱۵(۲)، ۸۹-۱۰۸.

رمضانی، ایرج و کمانگری، ام کلثوم. (۱۳۹۹). رابطه هیجان پذیری در تدریس با مهارت های اجتماعی دانش آموزان. تهران: انتشارات قلم صحرا.



شریفی، محمد، احمدی، علی و کریمی، زهرا. (۱۴۰۱). «آموزش مهارت‌های اجتماعی-عاطفی در مدارس ایران: چالش‌ها و راهکارها». فصلنامه پژوهش در آموزش و پرورش، ۱۸(۲)، ۵۵-۷۶.

صدیقی، فاطمه، عابدینی، مهناز و حیدری، صدیقه. (۱۴۰۱). هوش اخلاقی و عاطفی معلمان. تهران: انتشارات ویراست.

قنواتی، لیلا، افراخته، سقا و بیگدلی، حسین. (۱۴۰۳). «بررسی رابطه میان جهت‌گیری تدریس، توانمندی منش و مهارت‌های اجتماعی-هیجانی با کیفیت زندگی و نقش میانجی خودپنداره در معلمان زن دوره دوم متوسطه». مجله شناخت، رفتار، یادگیری.

نوری‌قاسم‌آبادی، ربابه. (۱۳۸۳). مهارت خودآگاهی و همدلی؛ ویژه معلمان. تهران: انتشارات طلوع دانش.

منابع انگلیسی:

Aldrup, K., Carstensen, B., & Klusmann, U. (2024). Teacher emotion regulation and teacher-student relationships: Implications for classroom climate and student learning.

Barron, B. (2006). Interest and self-sustained learning as catalysts of development: A learning ecology perspective. *Human Development*, 49(4), 193-224.

Bronfenbrenner, U. (1979). *The ecology of human development: Experiments by nature and design*. Harvard University Press.

CASEL. (2024). What is social and emotional learning? Collaborative for Academic, Social, and Emotional Learning.

Chernyshenko, O. S., Kankaraš, M., & Drasgow, F. (2018). Social and emotional skills for student success and well-being: Conceptual framework for the OECD study on social and emotional skills. OECD Publishing.

Collie, R. J. (2025). Teacher social-emotional competence, self-efficacy, and occupational well-being.

Creswell, J. W., & Creswell, J. D. (2018). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches* (5th ed.). Sage.

Domitrovich, C. E., Durlak, J. A., Staley, K. C., & Weissberg, R. P. (2017). Social-emotional competence: An essential factor for promoting positive adjustment and reducing risk in school children. *Child Development*, 88(2), 408-416.



Durlak, J. A., Mahoney, J. L., & Boyle, A. E. (2022). What we know, and what we need to find out about universal, school-based social and emotional learning programs for children and adolescents: A review of meta-analyses and directions for future research. *Psychological Bulletin*, 148(11–12), 765–782.

Durlak, J. A., Weissberg, R. P., Dymnicki, A. B., Taylor, R. D., & Schellinger, K. B. (2011). The impact of enhancing students' social and emotional learning: A meta-analysis of school-based universal interventions. *Child Development*, 82(1), 405–432.

Greenberg, M. T., Domitrovich, C. E., Weissberg, R. P., & Durlak, J. A. (2017). Social and emotional learning as a public health approach to education.

Jennings, P. A., & Greenberg, M. T. (2009). The prosocial classroom: Teacher social and emotional competence in relation to student and classroom outcomes. *Review of Educational Research*, 79(1), 491–525.

Jones, S. M., & Bouffard, S. M. (2012). Social and emotional learning in schools: From programs to strategies. *Social Policy Report*, 26(4), 1–33.

Jones, S. M., Bailey, R., Brush, K., Nelson, B., & Barnes, S. (2021). Systemic social and emotional learning: Promoting educational success for all students. Harvard Graduate School of Education.

Kankaraš, M., & Suarez-Alvarez, J. (2019). Assessment framework of the OECD study on social and emotional skills. OECD Publishing.

Lewin, K. (1946). Action research and minority problems. *Journal of Social Issues*, 2(4), 34–46.

OECD. (2020). Back to the future of education: Four OECD scenarios for schooling. OECD Publishing.

OECD. (2024). Nurturing social and emotional learning across the globe: Findings from the OECD Survey on Social and Emotional Skills 2023. OECD Publishing.

OECD. (2025). Unlocking high-quality teaching: Providing social-emotional support. OECD Publishing.

Schonert-Reichl, K. A. (2017). Social and emotional learning and teachers. *The Future of Children*, 27(1), 137–155.



Taylor, R. D., Oberle, E., Durlak, J. A., & Weissberg, R. P. (2017). Promoting positive youth development through school-based social and emotional learning interventions: A meta-analysis of follow-up effects. *Child Development*, 88(4), 1156–1171.

Ulferts, H. (2023). *Social and emotional learning in schools*. OECD Publishing.

Ura, K., et al. (2025). Social-emotional learning interventions for teachers: Implications for classroom climate and professional well-being.

